

آینده پژوهشی انسان متدین در متاورس

محمدفاضل مبهوتی*

سید علی محمد رضوی (نویسنده مسئول)**

کمال اکبری***

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر تحلیل آینده حضور انسان متدین در متاورس است. با توجه به نظریات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران درصدد است تا به تحلیل نظام باورها و کنش انسان متدین در متاورس بپردازد. تصویری روشن بر اساس سه دسته آینده ممکن، باورپذیر و محتمل با رویکرد اکتشافی ارائه دهد و در گام آخر آینده‌هنجاری بر اساس معیارهای دینی ارائه دهد.

روش‌شناسی پژوهش: این تحقیق با رویکرد کیفی انجام شده و برای تحلیل آینده از روش آینده‌پژوهشی و تکنیک دلفی بهره گرفته شده است. در این پژوهش تکنیک دلفی در دو مرحله به اجماع منتهی شده است.

یافته‌ها: دیدگاه صاحب‌نظران نشان می‌دهد که انسان متدین در متاورس دچار اختلاط ارزشی می‌شود و ارزش‌های او آمیخته از ارزش‌های دینی و غیردینی خواهد بود، از سویی برخی از این ارزش‌ها بی‌ثبات بوده و بر اساس اهداف فرد در نظام ارزشی وی قرار می‌گیرد. بنابراین بی‌ثباتی ارزش‌ها سبب هویت سیال در افراد خواهد شد. به جهت فقدان مرجع

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، تهران، ایران.

mabhouti.Fazel@yahoo.com

** مدیرگروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران.

azarbakhsh2005@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران. kamal.akbari@iribu.ac.ir

شناختی کافی و اقتضاء ساختار، گرایش به سلبریتی‌ها به عنوان مرجع شناختی افزایش پیدا خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس دیدگاه خبرگان آینده اکتشافی نشان از بی‌ثباتی ارزش‌های کاربران و هویت سیال آنان می‌دهد بر این اساس برای بهبود فضای دینداری برای کاربران متدین نیاز است تا سه اقدام اساسی صورت گیرد؛ نخست آموزش سواد رسانه‌ای متناسب با متاورس به کاربران ارائه شود، درکنار آن مدیریت و الگوریتم‌های متاورس در پلتفرم‌های بومی بر اساس معیارهای دینی تنظیم شود.

کلیدواژه‌ها: متاورس، آینده‌پژوهشی، انسان متدین، هویت، کنش، ساخت‌یابی.

مقدمه

انسان با ورود به قرن اخیر پا به عصر اطلاعات و ارتباطات گذاشت؛ عصری که بیش از گذشته فضای ارتباطات را متحول کرد؛ اگرچه انسان به جهت روحیه اجتماعی خود همواره به دنبال تعامل و ارتباطات بود. اما این میزان از عطش برای گسترش ارتباطات سبب شد تا برای دست‌یابی به تعاملات گسترده‌تر از فناوری‌ها نوین استفاده کند؛ تا پیش از این کمبود فناوری دایره ارتباطات انسان را محدود نکرده بود. اما با دست‌یابی به تکنولوژی‌های جدید این محدودیت کنار رفت. با مرور سرگذشت اینترنت در می‌یابیم که وب ۱ سبب ارتباطات جهانی انسان‌ها با یک دیگر شد و بشر را وارده دهکده جهانی کرد؛ اما همچنان عطش بشر را رفع نکرد و سبب شد تا به سوی وب ۲ حرکت کند.

در حقیقت انسان تلاش کرد تا هرچه می‌تواند محدودیت‌ها را برچیند و بیش از پیش مفهوم دهکده جهانی را محقق کند؛ به عبارتی مفهوم دهکده جهانی یک عبارت تشکیکی است و از زمان وب ۱ تا تحقق وب ۳ در این مسیر محسوب می‌شود. بنابراین هرچه انسان رو به جلو حرکت می‌کند و فناوری‌های ارتباطی تکامل می‌یابد این مفهوم بیشتر تحقق می‌یابد. اما به هر صورت متاورس برگرفته از آرزوی دیرینه بشر است. ارتباطات جهانی به اندازه‌ای گسترش یابد که انسان بتواند با هر فردی دیگر در جهان از طریق همه حواس خود ارتباط پیدا

کند و تنها محدود به انتقال پیام شفاهی یا مکتوب نباشد.

ولی باید توجه داشت که علاقه به ارتباط و گسترش فناوری تنها یک بعد این قضیه است، هر اندازه که این بعد گسترش می‌یابد لازم است تا به سایر ابعاد دیگر آن توجه شود. وگرنه این فناوری تک‌سویه رشد خواهد کرد و ممکن است پیامدها منفی برای انسان به دنبال داشته باشد؛ به عنوان مثال در حوزه فرهنگ نیازمند اندیشیدن و بحث است؛ زیرا این دست از ابزارهای ارتباطی تاثیر فرهنگی نیز به دنبال خود دارد.

مک‌لوهان در کتاب برای درک رسانه‌ها می‌نویسد: «رسانه همان پیام است؛ زیرا یک رسانه می‌تواند سبک ارتباطات انسان‌ها را شکل دهد و معیارهای عملکردهای موجود در این ارتباطات را مشخص کند؛ بی‌آنکه محتوا یا نحوه استفاده از آن بتواند تأثیری بر طبیعت ارتباطات انسان‌ها بگذارد». (مک‌لوهان؛ ۱۳۷۷: ۷)

او ذات تکنولوژی را دربردارنده فرهنگ و پیام خاصی می‌داند که موجب تغییر در معیارها، ارزش‌ها و مدل‌های زیستی انسان می‌شود. از جمله نمونه‌هایی که مک‌لوهان برای درک بهتر این موضوع عنوان می‌کند، روشنایی برق و انرژی الکتریکی می‌باشد. وی در کتاب «برای درک رسانه‌ها» در این باره می‌گوید: «پیام روشنایی برق همانند پیام انرژی الکتریکی است و تنها از نظر کاربردی تفاوت‌هایی دارند؛ ولی هر دوی آنها زمان و فضا را در جامعه دگرگون می‌کنند (همان) این کلام مک‌لوهان نشان می‌دهد که روشنایی برق و انرژی الکتریکی، که هر دو از تکنولوژی بشری به‌شمار می‌روند، در اجتماع تغییر فرهنگی پدید می‌آورند و بر فرهنگ زندگی بشری تأثیر می‌گذارند».

مک‌لوهان معتقد است: «تکنولوژی گرچه مخلوق انسان است و برگرفته از ذهن و رفتار انسان است؛ ولی روابط انسان‌ها در هر دوره تحت تاثیر تکنولوژی است. ازاین‌رو اگر فرهنگ نادیده گرفته شود ممکن است این فناوری برخلاف خوش‌بینی‌ها، آسیب‌های مخربی برای انسان‌ها به دنبال داشته باشد، به‌گونه‌ای که بشر را از آینده خود مأیوس و از اقدامی که کرده سرخورده کند.

محافل علوم اجتماعی مطرح شد که این شبکه‌ها تا چه اندازه به بهبود کیفیت ارتباطات اجتماعی کمک کرده‌است؟! آیا احساس تنهایی در انسان‌ها را کاهش داده یا برخلاف تصور سبب افزایش احساس تنهایی انسان شده است؟

البته که ادعاها و بحث‌های زیادی در این زمینه میان پژوهشگران وجود دارد؛ یکی دیگر چالش‌ها و پرسش‌ها سرنوشت باورهای مذهبی کاربران است؛ همواره افراد متدین با اعتقادات مذهبی مختلف در قرون مختلف تلاش کرده‌اند تا علاوه بر پذیرش تکنولوژی‌های جدید اعتقادات خود را حفظ کنند و بر اساس احکام خود با آن رفتار کنند؛ در هر حال این پرسش می‌تواند مطرح شود که در صورت تحقق متاورس، سرنوشت باورهای کاربران متدین در متاورس چه خواهد شد؟ و چگونه آینده انسان متدین در متاورس را می‌توان تحلیل کرد.

به عبارتی حضور در عالم متاورسی با این حجم از ارتباطات گسترده امری نو خواهد بود. در دنیایی که همه افراد به راحتی حضور پیدا خواهند کرد و تعاملات بشری به حد اعلای خود خواهد رسید، این حجم از ارتباطات و زندگی در فضای متاورسی می‌تواند نگرشی نو برای انسان‌ها به دنبال داشته باشد. از این رو ممکن است این فناوری بر باورهای مذهبی اثر بگذارد! پس ممکن است به افزایش گرایش‌های مذهبی بشر منجر شود و یا از سویی دیگر امکان دارد تأثیر عکس به دنبال داشته باشد. پس پرسش نخست از اثرگذاری متاورس بر باورهای مذهبی متدینان است؛ سپس چگونگی این تاثیرگذاری مورد بحث خواهد بود.

باتوجه به اینکه سوال این تحقیق از آینده است، روش این پژوهش بر اساس آینده پژوهی انتخاب شده است؛ بنابراین در این روش به بررسی انواع احتمالات اعم از آینده ممکن، باورپذیر، محتمل و مطلوب خواهیم پرداخت.

سؤال‌های تحقیق

سوال اصلی

آینده حضور انسان متدین در متاورس چگونه است؟

سوالات فرعی

آینده ممکن انسان متدین در متاورس چگونه است؟

آینده باورکردنی انسان متدین در متاورس چگونه است؟

آینده محتمل انسان متدین در متاورس چگونه است؟

آینده مطلوب انسان متدین در متاورس چگونه است؟

روندها و پیشران‌های موجود در حوزه‌های متناظر حضور انسان متدین در متاورس

کدام‌اند؟

تعریف مفاهیم

انسان متدین

منظور از انسان متدین در این پژوهش، انسان مسلمان شیعه و باورمند عامل می‌باشد.

متاورس

متاورس مجموعه‌ای از فضاها و چندبعدی شبیه‌سازی شده شبه‌هوشمند متصل و مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات است، که ارتباطات اجتماعی، اقتصادی، علمی و غیره به صورت ترکیبی، توسط عامل‌های هوشمند شده مثل آواتارها و انسان‌ها انجام می‌شود. همه تعاملات موجود در جهان فیزیکی قابلیت انتقال به فضای متاورس را داراست.

حضور عامل‌های هوشمند در کنار قابلیت‌های گرافیکی و شبیه‌سازی سطح بالا موجب پویایی بیشتر فضاها و جذابیت آن‌ها شده است. (حسن‌زاده، ۱۴۰۱: ۵) کاربران به وسیله آواتارها در این فضا حضور پیدا می‌کنند که این آواتارها می‌توانند نسخه تکامل یافته کاربران باشند، آنان هر نقص یا کمبودی که در خود احساس می‌کنند را در متاورس می‌توانند نداشته باشند و آواتار آنان نمایش بهبود یافته و تکاملی آنان باشد، حتی آنان می‌توانند محدودیت‌هایی را که احساس می‌کنند را کنار بگذارند و فراتر از محدودیت‌ها تعامل کنند، در این فضا دگرگونی نیز ممکن است، برای کاربران این فرصت تجربه وجود دارد تا آنچه نیستند را تجربه

کنند، با جنسیتی مخالف آنچه هستند، زندگی کنند، بنابراین متاورس فضا و فرصتی برای عبور از بسیاری محدودیت‌ها است.

آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی در واقع مطالعه و بررسی آینده‌های ممکن الوقوع با به کارگیری روش‌های علمی است. شناخت تغییرات، بررسی و تحلیل تغییرات، ترسیم آینده‌های احتمالی، ترسیم آینده مرجح و در نهایت برنامه‌ریزی در راستای دستیابی به آینده مطلوب مورد توافق گام‌های اصلی آینده‌پژوهی است. در آینده‌پژوهی آینده همواره متناسب با معیارهای منطقی و عقلایی انتخاب می‌شود. بنابراین عقلانیت از ارکان اصلی آینده‌پژوهی به حساب می‌آید. (پدرام، ۱۳۹۱: ۲۳) آینده‌پژوهشی به جهت دارا بودن روش‌ها و تکنیک‌های مختلف که برخی از آنان کیفی و برخی دیگر نیز کمی هستند، به دانشی فراتر از یک روش تحقیق تبدیل شده است. در آینده‌پژوهشی به تناسب موضوعات و محدودیت‌های مسئله روش‌های متخلفی وجود دارد، از این رو اساتید و پژوهشگران این حوزه از علم آینده‌پژوهشی سخن می‌گویند.

انواع آینده

آینده‌های ممکن عبارتند از تمامی آینده‌های قابل تصور، در این قسمت تمامی فرضیه‌ها و احتمالات مطرح می‌شود، هرچند که همه‌ی آنان با علم امروز بشر قابل جمع نیستند. اما در «آینده‌های باورکردنی منظور آن دسته از آینده‌هایی هستند که با دانش امروز ما سازگار است، آینده‌های باورکردنی بخشی از آینده‌های ممکن را که وقوع آن‌ها را باورپذیر نمی‌دانیم، کنار می‌گذارد.» «آینده‌های محتمل روندمحور هستند، آن دسته از آینده‌های باورپذیر را شامل می‌شوند که احتمال تحقق آن‌ها همواره وجود دارد و بالاخره «آینده‌ای مرجح یا مطلوب آن دسته از آینده‌ها هستند که برای ما مطلوب است، این دسته از آینده با دسته اول کاملاً متفاوت است؛ زیرا سه دسته اول از نوع اکتشافی بودند و پیش‌بینی ما از آینده است اما دسته چهارم ارزشی است و خواسته ما از آینده است؛ سه نوع نخست دانش شناختی‌اند و ماهیت عینی‌گرا

دارند، ولی برخلاف این سه دسته، آینده مطلوب برانگیزنده، ارزشی و ذهن‌گرا است.
(حیدری، ۱۳۹۵: ۵)

پیشران

پیشران‌ها مجموعه‌ای از نیروهای شکل‌دهنده آینده هستند و بر آینده‌های مختلف تاثیر می‌گذارند. پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم بر آینده حوزه‌های اجتماعی فناورانه، اقتصادی و زیست‌محیطی و سیاسی تاثیر می‌گذارد. پیشران‌ها به چهار مؤلفه تقسیم می‌شوند:

- روندها

- رویدادها

- تصاویر

- اقدام‌ها

روندها و رویداد معروف‌ترین واژه آینده‌پژوهی است که بر دو ویژگی آینده متمرکز هستند. روندها، اشاره به پیوستگی تاریخی و زمانی دارد اما رویدادها به گسستگی‌های تاریخی تاکید دارند. روندها تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در سیر زمان است. روندها از گذشته آغاز می‌شوند و در آینده نیز ادامه می‌یابد؛ اما رویدادها برخلاف روند، محصول اتفاق یا حادثه است که به شدت برکل آینده تاثیر می‌گذارند. روندها به ساده‌سازی پیچیدگی پدیده‌ها می‌پردازند. به عبارت دیگر یک پدیده به صورت ساده شده در یک روند بیان می‌شود. به عنوان مثال روند افزایش مطالبات جوامع از دولت‌ها، یک بیان ساده شده مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و رویدادهاست، که هر یک ممکن است دارای پیچیدگی‌های خاصی باشند. به این ترتیب انتظار نداشته باشیم که یک روند تمام مفاهیم را انتقال دهد.

روندها در یک سیر زمانی قابل توصیف می‌باشند، اما این سیر زمانی به شدت وابسته به موضوع روند و حوزه دانش آن است. ممکن است یک بازه‌ی زمانی برای یک پدیده کوتاه‌مدت باشد در حالی که همان بازه‌ی زمانی برای پدیده‌ی دیگری بلندمدت باشد.

رویدادها بر خلاف روندها هستند و گسستگی تاریخی را بیان می‌کنند. رویدادها رخ دادهایی هستند که باعث قطع پیوستگی تاریخی می‌شوند. به عنوان مثال با نگاه به تاریخ انرژی دنیا درمی‌یابیم که تا پیش از سال ۱۹۷۳ روند افزایش عرضه نفت از سوی کشورهای تولیدکننده به صورت نمودار در حال افزایش بوده است. بسیاری از شرکت‌های نفتی با برآورد روند افزایش عرضه به پیش‌بینی آینده عرضه نفت می‌پرداختند و با استفاده از مدل‌های عرضه و تقاضا، قیمت آینده نفت را پیش‌بینی می‌کردند. اما با توجه به مسائل میان اعراب و اسرائیل و شدت یافتن آن در این زمان، این روندها به شدت از ارایه واقعیت‌ها ناتوان گردیدند. در این زمان با قطع عرضه نفت از سوی کشورهای عربی، بازار جهانی دچار یک بحران جدی گردید. این قطع صادرات نفت یک رویداد بود که در مقابل روندهای نمایی عرضه نفت قرار گرفت و باعث قطع پیوستگی تاریخی در میزان عرضه نفت خام شد.

رویدادها ممکن است به دلایل گوناگونی رخ دهد، اما در بسیاری از روش‌های آینده‌پژوهی شناسایی رویدادها از آن جهت مهم است که بر خلاف وضعیت فعلی روندهای موجود است، و با وقوع آن‌ها آینده تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در منابع فارسی پیرامون متاورس پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است و متخصصان با رویکردهای متفاوت با توجه به رشته‌های تخصصی خود به ابعاد متاورس پرداخته‌اند، اما شاهد کاستی پژوهش رویکرد ارتباطات دینی هستیم؛ به هر صورت برای درک ابعاد مسئله پژوهش مروری بر برخی از این مقالات ضروری است.

پژوهش‌های داخلی

برخی از محققان مروری بر پژوهش‌های آینده‌پژوهی رسانه داشته‌اند تا شناختی از آینده رسانه بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته حاصل شود.

فرهنگی، قاپچی (۱۴۰۱) در مقاله «مرور نظام‌مند پژوهش‌های حوزه آینده‌پژوهی رسانه با تمرکز بر مفاهیم نوظهور فناوری‌های نوین» به تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه آینده‌پژوهی رسانه و فناوری (فراجهان، واقعیت‌تعمیم‌یافته، غوطه‌وری ۳۶۰ درجه، جهان بیش‌متصل، فرا انتقال و چندرسانه‌ای‌ها) اجرا شده پرداخته است تا زمینه‌ساز انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای آتی میان مدیریت رسانه، مدیریت فناوری، آینده‌پژوهی و... باشد.

برخی دیگر از پژوهش‌ها به حوزه چالش‌های متاورس و حکمرانی پرداخته‌اند، این مسئله برای حکومت اسلامی که دارای ماهیت حکمرانی دینی است بسیار اهمیت دارد، همچنین در نگاه حکومت اسلامی حکمرانی با عملکرد دینی مردم رابطه دارد.

حسینی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های نوظهور دولت‌ها برای حکمرانی فضای سایبری، پیامدهای پلتفرمی شدن و پیدایش متاورس به تحلیلی انتقادی پیرامون تحولات توسعه‌ی شبکه جهانی اینترنت و فضای سایبری بر اصل حاکمیت سرزمینی پرداخته است. وی تحولات فناورانه مبتنی بر اینترنت در تغییر نقش، جایگاه و حدود اختیارات دولت‌ها برای اعمال قانون در قلمرو ارضی آن‌ها را بررسی کرده است.

مطالعاتی نیز در حوزه دسترسی کاربران به اطلاعات در فضای متاورس انجام شده است، همواره اطلاعات و سوءگیری اخبار تأثیری مهم در نگرش افراد به جهان پیرامون خود دارد. بنابراین شناخت انسان‌ها که منتهی به باورهای آنان می‌شود مبتنی بر اطلاعاتی است که دریافت می‌کند از این رو اهمیت دسترسی به اطلاعات روشن می‌شود.

حسن‌زاده (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «متاورس و سرنوشت سامانه‌های اطلاعاتی اذعان دارد که بیشترین توجهات به متاورس به جنبه‌های هستی‌شناختی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف شده است. این در حالی است که این فضای جدید با مزایا و محدودیت‌های خاص خود روبه‌رو است. در این میان مسائل مربوط به سامانه‌های اطلاعاتی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. وی تلاش کرده است ضمن معرفی ویژگی‌های متاورس به عنوان یک واقعیت جدید فناورانه و اجتماعی، مسائل مبتلا به سامانه‌های اطلاعاتی تبیین و راهکارهایی پیشنهادی ارائه دهد.

برخی از پژوهشگران به تاثیر متاورس بر سبک زندگی جدید انسان‌ها پرداخته‌اند و اهمیت این موضوع را یادآور شده‌اند.

محمودی، صادقی (۱۴۰۱) در پژوهش «متاورس و تاثیر آن بر سبک زندگی به بررسی تاثیرات مثبت و منفی متاورس در سبک زندگی انسان و نحوه مدیریت و حکمرانی در متاورس» می‌پردازند. مؤلفان این اثر تعیین پروتکل‌ها و استانداردهای تعاملی و تبیین ابعاد حقوقی این فضا و محتواهای تولیدشده در آن و تقویت حکمرانی در این قلمرو را از مهم‌ترین کارهای پیش‌روی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران برمی‌شمارند و بر این اساس تامین امنیت سایبری و حریم خصوصی، شناسایی ریسک‌های احتمالی در متاورس، تقویت حاکمیت با توازن امنیت و آزادی در متاورس و آگاه‌سازی و آموزش مردم توسط رسانه‌ها جهت استفاده صحیح کاربران از متاورس را ضروری قلمداد می‌کنند.

برخی از محققان نیز متاورس را در الهیات ادیان مختلف بررسی کرده‌اند. فتاح‌زاده، حسین‌نژاد (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «الهیات متاورس در مسیحیت و اسلام متاورس را بیان فراگیر فرهنگ تکنولوژیکی خوانده که تاثیر آن جهانی خواهد بود». در این تحقیق، به تأثیراتی که کوید ۱۹ در کسب‌وکار و مذهب مردم داشته است و محدودیت‌های کرونایی در بین مناسک مذهبی مسیحیان و مسلمانان اشاره می‌شود. در پایان در دسته‌بندی ابواب فقهی مسلمانان، موارد مربوط به متاورس استخراج و ضرورت ورود فقهای اسلام به این موارد مطرح می‌شود.

پژوهش‌های خارجی

برخی از پژوهشگران خارجی به سرنوشت اعتقادات مسیحیان به خدا و کلیسا در متاورس پرداخته‌اند و مناقشات مطرح در این موضوع را تبیین کرده‌اند.

گریس رز^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «چگونه خدا و کلیسا در متاورس قرار خواهند گرفت؟» به این موضوع پرداخته است که آیا خدای کلیسا بخشی از متاورس در آینده خواهد

^۱ . Grace Rose

بود؟ اینکه انسان‌ها از تصورات سنتی خدا عبور خواهند کرد یا نه؟

برخی از پژوهش‌گران نیز به سبک جدید تبلیغات دینی در فضای متاورس پرداخته‌اند و حضور کلیسا در متاورس را ماموریتی جدید برشمرده‌اند.

گیچون جون^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «کلیسای واقعیت مجازی به عنوان یک مرز ماموریت جدید در متاورس: بررسی مناقشات الهیاتی و پتانسیل ماموریتی کلیسای واقعیت مجازی ترکیب کووید-۱۹ و انقلاب صنعتی چهارم یک وضعیت عادی بی‌سابقه جدید می‌خواند که بر تمام جنبه‌های زندگی انسان از جمله فعالیت‌های مذهبی تأثیر گذاشته است. وی نتیجه این رخداد را وابستگی کلیسا و نهاد مختلف آن به رسانه‌ها بر می‌شمارد. او معقد است که فناوری دیجیتال همگرا به طور مداوم واقعیت افزوده و واقعیت مجازی را توسعه می‌دهد، که در آن کلیساها کاشته می‌شوند و به انجام ماموریت و خدمات خود ادامه می‌دهند. بنابر اظهارات وی اگرچه کلیساهای واقعیت مجازی مرزهای ماموریت جدیدی در عصر دیجیتال هستند، اما همچنان چندین موضوع الهیات از دیدگاه مرسوم خدمت و رسالت کلیسا وجود دارد.

برخی از پژوهش‌گران نیز بر اهمیت ایجاد مناسک در فضای متاورس تأکید کرده‌اند و در حقیقت این پژوهش‌گران معقد هستند که مناسک نباید تنها محدود به جهان غیر دیجیتال باشد و در فضای متاورس نیز می‌توان به آنان پرداخت.

مصطفی یگیتوگلیو^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «زندگی مجازی مذهبی و متاورس در دنیای واقعی اینترنت را پیامد موانع ناشی از عوامل مختلفی مانند مکان و زمان می‌داند. به این ترتیب، معتقد است که به خاطر اینترنت، ارتباط هم‌دینان با یکدیگر بسیار آسان شده و انجام بسیاری از فعالیت‌های مذهبی با ارتباط سریع امکان پذیر شده است. وی با تصریح بر اینکه امکان گرد هم آمدن در یک مکان به طور همزمان برای افراد حاضر در نقاط مختلف دنیا وجود ندارد، عنوان می‌کند که امکان گردهمایی آن‌ها در محیط‌های مجازی از این سر

¹ . Guichun Jun

² . Mustafa YİĞİTOĞLU

دنیا به آن سوی دنیا از طریق اینترنت فراهم شده است. در این مقاله با برشمردن فرصت انجام مناسک دینی در متاورس، بیان می‌شود متاورس فرصتی است که نباید توسط افراد مذهبی و سازمان‌ها نادیده گرفته شود.

بر این اساس پژوهشی جامع پیرامون تحلیلی از آینده حضور انسان متدین در متاورس صورت نگرفته است و تصویری روشن بر اساس معیارهای آینده‌پژوهشی صورت نگرفته است، همچنین علاوه بر آینده اکتشافی از حضور انسان متدین در متاورس، لازم است تا آینده هنجاری و مطلوب نیز بر اساس دیدگاه خبرگان ارائه شود تا بتوان عملکردی هوشمند در مواجهه با این پدیده داشت. این پژوهش در صدد است تا به بررسی دورویکرد آینده اکتشافی و مطلوب از حضور انسان متدین در متاورس بپردازد.

مبانی نظری

نظریه تورکل^۱

تورکل در نظریه خود به رابطه کاربران با فضای مجازی می‌پردازد، او باور دارد که فضای مجازی بر پایه پراکندگی و گمنامی بنا نهاده شده است، بنابراین کاربران می‌توانند با حذف نشانه‌های فیزیکی و به صورت گمنام در فضای مجازی حضور یابند. همچنین این فرصت برای کاربران فراهم است تا به صورت پراکنده، هویت‌های متفاوت از خود ارائه دهند و به شکل‌های مختلفی خود را معرفی کردند. به اعتقاد تورکل فضای مجازی با این شرایط و امکانات در حقیقت کاربران را به فضای پست مدرن پرتاب می‌کند و این فرهنگ را به خورد آنان می‌دهد. در این شرایط کاربران می‌توانند صورت‌های مختلف برای خود طراحی کنند و این صورت‌ها را کارگردانی کنند. (تورکل، ۱۹۹۶: ۵۷) بنابراین این فضا ما را به سمت «من غیر واقعی و دروغین رهنمود می‌سازد؛ زیرا پیر می‌خواهد خود را جوان، غیر متخصص می‌خواهد خود را متخصص و... چرا که این دست از افراد می‌خواهند کاستی‌ها و کمبودهای

^۱ . Turkle

خود را نه تنها بیوشانند بلکه این فرصت برای آنان فراهم است تا به صورت غیرواقعی برخلاف آنچه هستند خود را به نمایش بگذارند.

یکی دیگر پیامدهایی که تورکل از آن سخن می‌گوید این است که باوجود فضای گسترده شبکه‌های اجتماعی و افزایش ارتباطات اجتماعی کاربران این فضا به شدت خود را به این امر وامی‌دارند که کم‌ترین انتظار را از دیگران داشته باشند، این مسئله نداشتن انتظار آنان را کم‌کم به این فضا سوق می‌دهد که تنها هستند و باید فقط به خود فکر کنند به طوری که تنها متکی به خود باشند زیرا از کسی نمی‌توانند انتظار یاری داشته باشند، نتیجه این طرز تفکر آن است که احساس تنهایی در آنان افزایش خواهد یافت و به فردگرایی منتهی خواهد شد، شبکه اجتماعی که برای افزایش تبادلات اجتماعی و افزایش روابط انسانی بنا نهاده شده بود؛ اما در نهایت به احساس تنهایی بیشتر منتهی خواهد شد. این مسئله یک‌طرفه نیست و تنها پیرامون نسبت به انتظار از دیگران نیست بلکه در ادامه سبب خواهد شد رابطه ما نیز با کاربران دیگر به این صورت باشد که فقط به نقاط مفید دیگران برای خود فکر کنیم، به عبارتی دیگران را همچون اشیاء ببینیم که قسمت‌های مفیدشان برای ما اهمیت دارد و از آن بهره می‌بریم و با ابعاد دیگرشان که نفعی ندارد توجه نکنیم.

وانموده

وانموده یک نوع شبیه‌سازی است: واقعیت را به صورتی دیگر نمایش می‌دهد (محمدکاشی، ۱۳۷۸: ۷۲) اگر اندیشمندی پیدا شود و مثلاً بگوید حادثه یازدهم سپتامبر رخ نداده، طبیعی است که نه تنها تعداد زیادی از افراد عادی، بلکه بخش زیادی از اندیشمندان نیز او را متهم به نادانی و کژفهمی کنند؛ اما آن‌هایی که عجزول نیستند و تمام حرف‌های این اندیشمند را با دقت می‌شنوند، می‌فهمند که او از یکی از مشخصه‌های اساسی دوره پست مدرن، یعنی توقف بازنمایی‌های رسانه‌ای بر امر واقع سخن می‌گوید. در دوره مدرن، دو عنصر تضاد طبقاتی و تولید کالا اهمیت داشتند و در حیات اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گرفتند اما به باور بودریار در دوره پسامدرن، این دو عنصر با

تصویر و بازی نشانه‌ها جایگزین شده‌اند. در حقیقت امروزه فناوری اطلاعات همان اهمیت سرمایه در دوره سرمایه‌داری را دارد، به باور بودریار در دوران پست مدرن، فناوری فرمانشی و فناوری اطلاعات سبب شبیه‌سازی‌های بسیارگسترده شده‌اند و این مسئله در شبیه‌سازی‌های تصویری به اوج خود رسیده است. به حدی این شبیه‌سازی گسترده و دقیق است که تشخیص واقعیت از غیرواقعی بسیار مشکل و گاه ناممکن شده است. موضوع وانموده که در سال ۱۹۸۰ توسط بودریار مطرح می‌شود مهم‌ترین و جدی‌ترین سخن وی بشمار می‌آید. (نوذری، ۱۳۸۸: ۲۵۰). بودریار در کتاب مشهور خود به نام «وانموده‌ها و وانمودگی‌ها» می‌نویسد: «امروزه دیگر مسئله شبیه‌سازی مسخره از واقعیت مطرح نیست، بلکه در دنیای پست مدرن این غیرواقعی‌ها هستند که جایگزین واقعیت‌ها شده‌اند و آن را به چالش کشیده‌اند. بنابراین امرغیرواقع با واقع جایگزین شده است. در این دوره همچون نظریه‌های ادبی دوره رئالیسم سخن از توهم واقعیت نیز نیست زیرا در آن دوره باور داشتند که ادبیات توهم واقعیت ایجاد می‌کند اما در این دوران بازنمایی به جای امر واقع قرارگرفته است و مخاطبان آن را پذیرفته‌اند و به جای واقعیت آن را واقع می‌دانند. (بودریار به نقل از پاینده، ۱۳۹۱: ۲۸۳)

برای فهم بهتر وانموده آن را با واژه کتمان مقایسه خواهیم کرد؛ در کتمان، مسئله این است که یک امری وجود دارد و ما آن را پنهان کرده و از دیگران مخفی می‌کنیم درحالی‌که در امر تظاهر یعنی مسئله‌ای که وجود ندارد را عنوان می‌کنیم که وجود دارد، بنابراین در کتمان از وجود به غیبت است اما در تظاهر غیبت را کنار می‌گذاریم و وجود را ادعا می‌کنیم. در وانمود نیز مسئله اظهار وجود چیزی است اما از تظاهر فراتر است؛ زیرا زمانی که یک فرد سالم تظاهر می‌کند که بیمار است به‌گونه‌ای باید رفتار کند که دیگران را به این خطا بیندازد و بقیه تصور کنند که بیمار است اما در وانموده علاوه بر این باید نشانه‌هایی نیز از خود نمایش دهد که وی به عنوان یک بیمار نمود پیدا کند. (بودریار، ۱۳۹۸: ۱۲)

بودریار برای شبیه‌سازی سه سطح قائل است، به باور او وانموده سطح سوم این شبیه‌سازی در دنیای پست مدرن است، در این حالت دیگر شبیه‌سازی جایگزین واقعیت

می‌شود و به جای آن می‌نشیند. او رسانه‌ها و فناوری اطلاعات را عامل این مسئله می‌داند که در تجربه تصویری این شبیه‌سازی را پدید می‌آورند. (گیبینز و ریمر ، ۱۳۸۱: ۷۴)

بودریار سه مرحله از تشابه (وانموده) را نام می‌برد و معتقد است که این سه مرحله موازی با دگرگونی‌های قانون ارزش از رنسانس تا دوره کنونی حرکت کرده است:

بدل سازی؛ این الگو در دوره کلاسیک به صورت غالب بوده است. (از رنسانس تا انقلاب صنعتی)

تولید؛ این الگو به دوران صنعتی اختصاص دارد.

شبیه‌سازی؛ این الگو برای دوران کنونی است، در این دوران ما تحت حاکمیت کُد قرار داریم.

در مرحله اول تشابه، بر پایه قانون طبیعی ارزش قرار دارد اما در مرحله دوم بر پایه قانون بازاری ارزش است و در مرحله کنونی تشابه بر پایه قانون ساختاری ارزش می‌باشد. (کهنون ، ۱۳۸۸: ۴۶۴)

البته که فراواقعیت در دوران پست مدرن محدود به رسانه‌های الکترونیک نیز نیست، بلکه همه اقداماتی که شبیه‌سازی سطح گسترده است را شامل می‌شود، برای نمونه تغییرات ژنتیکی، جراحی‌های پلاستیک و... همه سعی در وانمایی از یک امر واقع دارند به اندازه‌ای که جایگزین امر واقع می‌شوند، در این زمان مسئله وانموده به صورت گسترده مطرح است. (فکوهی ، ۱۳۸۶: ۳۲۱) اما منظور از شبیه‌سازی که تاکنون از آن چندین مرتبه استفاده شد، منظور ساختن یک امر جدید از امر واقع به گونه‌ای که جایگزین واقعیت شود، با باور بودریار دنیای پست مدرن هر مسئله‌ای را با جلوه آرمانی آن تلاش دارد تا جایگزین کند، از این رو ما همراه با نسخه آرمانی هر پدیده که وانمایی شده است، در حال مراوده هستیم، ما با وانموده‌ها زندگی می‌کنیم. (همان: ۳۲۱) در شبیه‌سازی هدف تولید خلاقانه و ابتکاری نیست بلکه در شبیه‌سازی امر واقع بازتولید می‌شود. این موضوع سبب می‌شود که ما برای آنان اصالت قائل نباشیم و صرفاً یک کپی از واقعیت بدانیم. در شبیه‌سازی مسئله تا آن جا ادامه می‌یابد که نمادها و نشانه‌ها از بین می‌رود به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان واقعیت را نمارها و نشانه‌ها

شناسایی کرد، تمایز میان آنان از بین می‌رود. (ریتزر، ۱۳۸۶: ۸۲۹)

وی به سیر تاریخی این مسئله می‌پردازد و عنوان می‌کند ابتدا نشانه بازتاب دهند یک واقعیت است اما در گام بعدی به واقعیت نقاب می‌زند و آن را تحریف می‌کند. در مرحله سوم در غیاب یک امر واقعی به تحریف می‌پردازد و نقاب می‌زند به طوری که آن را می‌سازد. بنابراین این نشانه تحریف غیاب یک واقعیت است اما در مرحله بعدی که دنیای معاصر است نشانه به جایی می‌رسد که هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد و نشانه نمودی از ناب خود است. (پین، ۱۳۸۳: ۱۶۶)

در زمان گذشته اگر صحبت از کپی بود به این معنا بود که یک نقاش مشهوری نقاشی می‌کشید که بسیار گران بها بود اما یک فرد دیگر که همچون آن فرد مشهور توانایی نداشت همچون آن نقاشی را می‌کشید در چنین شرایطی همه فهم می‌کردند که کپی است و قیمت این دو اثر با هم قابل مقایسه نبود؛ اما امروز به کمک فناوری‌های دیجیتال کپی از محصولات ساخته می‌شود که تشخیص کپی بودن آنان بسیار مشکل است و تشخیص تفاوت آنان به نوعی غیر ممکن است. این معنای وانموده مورد نظر بودریار است.

بودریار به صورت ویژه به مسئله رسانه‌ها می‌پردازد و منتقد رسانه‌ها است، او رسانه‌ها را سبب جدا کردن مردم از واقعیت‌ها می‌داند، زیرا رسانه‌ها در بازی که به راه انداخته‌اند آنچنان درگیر شده‌اند که از هدف اصلی و رسالت خود دور شده‌اند، آنان برای انجام رساندن پیام ساخته شده بودند، اما امروزه نه تنها این کار را انجام نمی‌دهند بلکه در دور ساختن مردم از واقعیت گناهکارند. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۶۹-۶۷۰)

بنابراین آنان رابطه ما با گذشته‌مان را به طور کلی از بین برده‌اند و دنیای وحشتناکی ساخته‌اند، دنیایی که ما در پیام‌های آنان گم شده‌ایم و سرگردان هستیم. (همان: ۹۷۴)

بودریار نگاهی منتقدانه به دوران پست مدرن دارد؛ اما خود این ویژگی را چندان قبول ندارد به هر صورت او آمریکا را الگویی کامل از دوران پست مدرن می‌داند، وی ویژگی بارز این دوران را نسبت به دوره مدرنیته در فروشکستن مرزها عنوان می‌کند، زیرا در مدرنیته مرزبندی‌ها به دقت مطرح می‌شد و سعی در تفکیک حوزه‌ها از یکدیگر داشت. برای نمونه

میان رویکرد عامیانه و روشنفکرانه تمایز قائل بود، و میان علم با ادبیات و فلسفه تفکیک مطرح می‌کرد؛ حتی این تفکیک در سطوح پایین تر به صورت تخصصی تر موضوعات را از هم متمایز می‌کرد، اما در دوران پست مدرن همه این مرزبندی‌ها فرو می‌ریزد و این ویژگی برجسته این دوران است. (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۳۱) این دوران با طرح مطالعات میان رشته‌ای مرزهایی که تا پیش از این میان رشته‌ها شکل گرفته بود و به تخصص‌های مختلف منجر شده بود را از میان برداشته است، مطالعات میان رشته‌ای میان ادبیات و معماری یا دیگر رشته‌های تخصصی از نمونه‌های آن است، حتی این مسئله نه تنها در حوزه مطالعاتی بلکه در تمیز فرهنگ عامه و برتر نیز از میان رفته است و دیگر این مسائل مطرح نیست. (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۲۶۹)

وی به صورت استعاره ای سخن از انفجار درون‌ریز می‌راند و این اصطلاح چنین توضیح می‌دهد: «یک قطب در یک قطب دیگر وارد می‌شود و اتصال کوتاه بین قطب‌ها از بین می‌رود. بنابراین با از بین رفته نشانه که کارایی جز تعیین حدود ندارند سبب می‌شوند که مرزها از بین برود.

بنابراین مرز میان واقعیت و وانموده از بین می‌رود. پس واقع معناها و پیام‌ها باهم می‌آمیزند و حوزه‌های متخلفی همچون حوزه سرگرمی، سیاست، جریان اطلاعات و حوزه تبلیغات همگی به یک واحد حوزه واحد تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی همه شئون جامعه در یک جریان فرو می‌ریزد و مخلوط می‌شوند تا جایی که با هم ادغام می‌شوند. در این زمان حوزه‌های مشخص مرزهای محکم، واقعی و قطعی خود را از دست می‌دهند. در این موقع دیگر میان شئون مختلف از جمله کار، تفریح، سیاست و حتی میان فرهنگ والا و فرهنگ توده ای دیگر تفاوت و مرزی وجود نخواهد داشت.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت خود که شناخت آینده است از علم و روش آینده‌پژوهی بهره گرفته شده است؛ زیرا مورد مطالعه مسئله‌ای است که برخی از مقدمات آن در حال شکل‌گیری است و در آینده به طور کامل تر محقق خواهد شد.

البته علم آینده‌پژوهی خود دارای روش یا تکنیک‌های مختلفی است که در پژوهش پیش رو از تکنیک دلفی بهره جسته‌ایم، زیرا در مسئله مورد بحث عوامل فرهنگی بر عوامل فنی تاثیرگذار است، همچنین داده‌های عددی گذشته نیز وجود نداشت، بنابراین تکنیک دلفی از میان سایر تکنیک‌های آینده‌پژوهی، مناسب‌تر است.

روش دلفی

روش دلفی روشی مبتنی بر خرد، هوش جمعی و طوفان فکری به منظور اجماع خبرگان روی موضوعی خاص است تا از این طریق بتوان مناسب‌ترین پاسخ‌ها را کسب کرد. دلفی را می‌توان یک روش جمعی برای مشاوره دانست که برخی از آن، به عنوان مصاحبه غیر حضوری یاد می‌کنند و در واقع روشی ذهنی - شهودی است. این روش، فرایندی ساختار یافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش ضمنی کارشناسان و خبرگان را با استعانت از پرسش‌نامه امکان‌پذیر می‌سازد. (خزایی، ۱۳۹۳: ۲۱۱)

تکنیک دلفی را در سه اصل می‌تواند معرفی کرد: نخست توزیع پرسش‌نامه در بین افراد و دریافت بازخورد کنترل‌شده پاسخ‌ها از آنان؛ دوم ناشناس ماندن خبرگان و سوم شامل بازخورد و تکرار است.

به زبانی ساده، در روش دلفی یک پرسش‌نامه طی یک یا چند دور بین مشارکت‌کنندگان در پیمایش توزیع می‌شود تا در آخر به اجماع پاسخ‌دهندگان منتهی شود. عموماً روش دلفی برای موضوعاتی به کار می‌رود که دانش موجود ما نسبت به آن کم است.

به منظور درک وقایع آینده در یک حوزه علمی، دلفی روشی مناسب است. در این روش خبرگان باهم ارتباط ندارند و هر کدام به طور جداگانه به پرسش‌نامه پاسخ می‌دهند. هدف اصلی دلفی، دستیابی به وفاق یا اجماع در همگرایی یا واگرایی پیرامون موضوعات است و البته باید توجه داشت تأکید بر همگرایی پیرامون نظرات در اولویت است.

در این تحقیق نیز برای یافتن چهار سوال فرعی پایان‌نامه به پنج نفر متخصص مراجعه شد و مصاحبه از آنان اخذ شد، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و استخراج نکات مربوط به هر

سوال در نهایت به ۲۹ فرضیه و گزاره حاصل شد. در مرحله بعد این ۲۹ گزاره از طریق پرسش نامه میان ۲۰ نفر از متخصصان توزیع شد و نظرات آنان جمع آوری گردید. در این تحقیق پس از مرحله نخست مصاحبه و جمع آوری دیدگاه کارشناسان این حوزه، پرسش نامه تدوین شد، این پرسش نامه که حاوی ۲۹ گزاره بود در میان متخصصان توزیع شد و در نهایت با توجه به حصول اجماع، دیدگاه کارشناسان احصا شد.

انتخاب خبرگان

در این تحقیق تلاش شد تا حد مقدور از افراد متخصص در دو حوزه علوم ارتباطات اجتماعی و علوم حوزوی بهره گرفته شود تا علاوه بر بررسی آثار ارتباطی، تاثیرگذاری پیام های دینی با توجه به نظر و تجربه مبلغان دینی نیز گردآوری شود، بنابراین عموم خبرگان در این تحقیق دارای تحصیلات تکمیلی در علوم ارتباطات اجتماعی و علوم دینی هستند.

اعتبار و پایایی داده های کیفی

در پژوهش هایی که با داده های کیفی سروکار داریم، مفاهیم پایایی و روایی دلالت های ضمنی دیگری دارند. در پژوهش های کیفی با وجود آنکه پایایی و روایی به گونه ای متفاوت مطرح است، اما به هیچ وجه نسبت به تحقیقات کمی اهمیت کمتری ندارد. این دو مقوله به خواننده کمک می کنند، مشخص کند که تا چه اندازه می تواند به یافته های پژوهش اطمینان پیدا کند، برای کسب اعتماد به طرح های پژوهش کیفی در کنار پایایی و روایی می توان به چهار عامل تکیه کرد تا به مدد آن ها اعتماد سازی شود، آن چهار عامل عبارتند از:

جدول عامل های اعتمادسازی داده های کیفی

ردیف	عنوان
۱	استفاده از چند روش برای گردآوری داده ها
۲	بازرسی مسیر کسب اطلاعات

۳	وارسی از سوی افراد تحت بررسی
۴	گروه پژوهشی

در این تحقیق نیز پژوهشگر ابتدا با استفاده از پژوهش‌های پیشین به مطالعه متاورس، تاثیر متاورس در دینداری و رابطه تکنولوژی با مذهب پرداخته است، سپس با چند تن از خبرگان برای روشن شدن ابعاد مسئله مصاحبه کرده است. در مرحله بعد با تهیه پرسش‌نامه به روش دلفی، پرسشنامه‌ها را میان خبرگان توزیع و ادامه داده است تا به اجماع منتهی شود. منظور از پایایی در تحقیق‌های کیفی آن است که گام‌ها و مراحل معین شده در منابع علمی پیاده شود و به‌گونه‌ای این مراحل انجام شود که اگر فرد دیگر نیز همین مراحل را به جای محقق انجام دهد، نتایج حاصله یکی باشد. بنابراین برای حصول اطمینان از پایایی تحقیق همه مراحل انجام تحقیق از طراحی پرسش‌نامه تا توزیع و تجزیه تحلیل آن‌ها توسط استاد راهنما و مشاور کنترل گردید و برای حصول اطمینان از پایایی تحقیق روند انجام تحقیق مشخص و شفاف در پژوهش ذکر شده است.

یافته‌ها

بر اساس دیدگاه اجماعی خبرگان، متاورس برای کاربران آن همچون یک حوزه عمومی خواهد بود، که افکار عمومی در آن شکل می‌گیرد و کاربران متاورس این افکار را دنبال می‌کنند. از سویی دیگر هویت کاربران متاورس در کشاکش عاملیت و ساختار است؛ بنابراین متاورس همچون دیدگاه ساختارگرایانه و جبرگرایانه رسانه عاملی منحصر به فرد در تعیین باورها، هویت و روابط اجتماعی کاربران نیست و خود افراد نیز نقشی مهم دارند. اما فارغ از موضوع ساختار و عاملیت مسائلی دیگری در تعیین فضای دینداری برای کاربران متاورس نقش دارد. باور خبرگان مدیریت متاورس نقشی بسزایی در ایجاد فضایی مناسب برای دینداران دارد؛ زیرا مدیریت می‌تواند بسترهای مناسب برای دینداری را فراهم کند و موانع را رفع کند. از سویی دیگر الگوریتم‌ها نیز می‌تواند کاربران را به دینداری سوق

دهد.

در هر صورت فضای متاورسی به جهت اقتضائات خود کاربران را به فضای پست مدرن پرتاب می‌کند. گمنامی امکانی است که به کاربران اجازه می‌دهد تا هر اقدامی را که تمایل دارند بدون در نظر گرفتن عواقب آن مرتکب شوند، و در چنین شرایطی کاربران می‌توانند با ایجاد آواتارهای متفاوت دست به طراحی و کارگردانی چهره ساختگی خود بزنند.

گزاره‌های آینده ممکن

در صورتی که الگوریتم متاورس بر اساس معیارهای دینی تنظیم شود، به بهبود فضای دینداری کمک خواهد کرد.

ارائه آموزش به کاربران پیش از ورود به متاورس به کاهش آسیب‌ها کمک خواهد کرد. باب هدایت الهی در متاورس به روی مردم بسته نخواهد بود و خداوند متعال به اقتضاء و شرایط فضای متاورس، راه هدایت را به مردم نشان خواهد داد. متاورس بستری برای خروج از محدودیت‌های فضای حقیقی است، بنابراین علاقه به گریز از قوانین و محدودیت‌ها موجب جذب افراد بیشتر به متاورس خواهد شد. در کوتاه‌مدت فرضیه متاورس، عملیاتی خواهد شد. مدیریت جریان دیندار بر متاورس منجر به بهبود فضای دینداری خواهد شد.

آینده باورپذیر

براساس دیدگاه خبرگان زندگی در متاورس و فضای خارج از متاورس سبب می‌شود تا کاربران دو فضایی شوند، دو فضایی شدن این شرایط را برای آنان فراهم می‌کند که دو سبک زندگی برای خود انتخاب کنند. بنابراین سبک زندگی متاورسی آنان می‌تواند متفاوت با زندگی خارج از متاورس آنان باشد. در چنین شرایطی متاورس به جهت درگیر ساختن خیال کاربران سبب می‌شود تا کاربران از فضای زندگی واقعی دور شوند و در خیالات خود غوطه‌ور شوند. اما دینداری در متاورس دارای چالش‌های مهمی خواهد بود، به دلیل آنکه نگاه کاربران به مسائل سطحی خواهد شد. با فاصله گرفتن از فضای ساختار سنتی و دست یافتن به

آزادی‌ها به مرور ارزش‌های خود را از دست خواهند داد و یا در چنین شرایطی دچار ارزش‌های اختلاطی خواهند شد. برخی از ارزش‌ها برگرفته از دین و برخی به جهت آرزوها و امیال خواهد بود. با از بین رفتن بنیان‌های ارزش در نگاه کاربران کم‌کم هویت کاربران نیز سیال خواهد شد، زیرا بخشی از ارزش‌های آنان دارای ثبات نیست و اساسی ندارد. بنابراین این ارزش‌ها در راستای اهداف است. از این رو با تغییر اهداف، این ارزش‌ها نیز تغییر می‌کند و با تغییر ارزش‌ها، هویت آنان دست‌خوش تغییر می‌شود.

با از میان رفتن مرجع‌های شناختی، کاربران برای شناخت و قضاوت نسبت به مسائل به سراغ سلبریتی‌ها خواهند رفت. بنابراین گرایش به سلبریتی‌ها در متاورس افزایش خواهد یافت و کاربران در مسائل متعدد پیرو سلبریتی‌ها خواهند بود.

گزاره‌های آینده باورپذیر

۱. تقسیم زندگی انسان‌ها به زندگی مجازی و حقیقی سبب دو فضایی شدن و دو سبک زندگی متفاوت خواهد شد.
۲. متاورس منجر به تقویت ذهن‌گرایی خواهد شد و تحرکات بدنی کاهش خواهد یافت.
۳. کاربران متدین متاورس در عمل به دین تنها به واجبات و محرمات اکتفا خواهند کرد، بنابراین در متاورس زندگی زاهدانه کنار خواهد رفت و سایر توصیه‌های دینی نیز چندان دنبال نخواهد شد، از این رو در متاورس یک دینداری حداقلی را شاهد خواهیم بود.
۴. متاورس انسان‌ها را از زندگی واقعی دور خواهد کرد و سبب غوطه‌ور شدن انسان‌ها در خیال خواهد شد.
۵. با توجه به سرعت رشد ماشین‌یسیم و پدید آمدن محصولات متنوع در این زمینه که متاورس نیز یکی از مظاهر این جریان است، در آینده انسان‌ها از این رویکرد افراطی عقب‌نشینی خواهند کرد. بنابراین ممکن است که انسان‌ها در آینده محدودیت‌های جدی برای زندگی ماشینی وضع کنند. متاورس نیز به عنوان یکی از محصولات این تفکر است که زیست در آن پس از مدتی محدود خواهد شد.

۶. انسان در متاورس دچار هویت سیال می‌شود؛ زیرا ارزش‌ها سیال می‌شود.
۷. ارزش‌ها در متاورس نسبی می‌شوند، پسندها و ناپسندهای انسان دیگر ثابت نخواهد بود. بر اساس آرزوی‌هایی که دارد در لحظه نسبت به مسائل نظر مثبت یا منفی خواهد داشت.
۸. ارزش‌ها بر پایه ذوق و سلیقه بنا می‌شود، بنابراین انسان متدین دچار اختلاط ارزشی خواهد شد و برخی ارزش‌های او دینی و برخی مخالف دین خواهد بود.
۹. از آنجایی که کاربران در متاورس مرجعیت شناختی ندارد، هوادار و پیرو سلبریتی‌ها خواهند بود.
۱۰. متاورس لذت معنوی به کاربران می‌دهد و تجربه حضور فیزیکی در اماکن معنوی را از کاربران خواهد گرفت، بنابراین سبب تقویت دینداری نخواهد شد و صرفاً لذت‌گرایی را افزایش خواهد داد.

آینده محتمل

متاورس به جهت لذت‌گرایی که در آن رواج خواهد داشت و سطحی‌نگری که به دنبال خواهد داشت به مرور سبب خواهد شد تا نظام اعتقادی جدیدی در کاربران متدین شکل بگیرد. نظام اعتقادی که به دنباله آن شریعت جدید خواهد بود، البته این به معنای دین یا شریعت جدید نیست، بلکه می‌تواند همان دین گذشته آنان باشد. اما این بار با نگاهی جدید و برداشتی نوین از دین خواهد بود. برداشتی که اجازه فعالیت‌های بیشتر به کاربران را می‌دهد و احساس ناخوشایند از آنان را دور می‌کند. به هر صورت این نکته نیز قابل توجه است که متاورس با وجود ادعای افزایش ارتباطات، اما در نهایت منجر به فردگرایی خواهد شد؛ زیرا ارتباطات کاربران با یکدیگر سطحی است. در این صورت احساس تنهایی در کاربران شکل خواهد گرفت.

گزاره‌های آینده محتمل

کاربران متدین متاورسی به دینی باور خواهند داشت که دارای نظام اعتقادی و شریعتی

مختص به خود است به عبارتی شاهد برداشتی نوین از دین خواهیم بود، که با دین شناخته شده در خارج از متاورس متفاوت است.

کاربران متدین نسبت به نظام ارزشی گذشته خود دچار تردید خواهند شد. احساس تنهایی در متاورس افزایش پیدا خواهد کرد.

آینده مطلوب

آینده مطلوب یک آینده اکتشافی نیست بلکه یک آینده هنجاری است، به عبارتی این آینده را باید ساخت و آن را دنبال کرد. وگرنه ممکن است آینده‌ای دیگر که مطلوب نیست تحقق یابد. به اعتقاد خبرگان مدیریت دینداران و الگوریتم‌ها بر اساس معیارهای اسلامی منجر به بهبود فضای دینداری در متاورس می‌شود. البته در چنین شرایطی آموزش به کاربران پیش از ورود به متاورس برای کاهش آسیب‌های متاورس لازم و ضروری است و به تحقق آینده مطلوب کمک می‌کند.

گزاره‌های آینده مطلوب

در صورتی که متاورس با طبیعت بشر سازگار باشد، آینده مطلوب برای انسان قابل تصور است.

مدیریت دینداران تأثیری در بهبودی فضای دینداری در متاورس خواهد داشت.

در صورتی که الگوریتم‌های متاورس بر اساس معیارهای دینی باشد، منجر به بهبود فضای دینداری خواهد شد.

آموزش به کاربران پیش از ورود به متاورس در کاهش آسیب‌ها مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پس از کاوش در پیشینه پژوهش و جمع‌آوری نظرات خبرگان در این زمینه روشن شد که علاوه بر نگرانی‌هایی که نسبت به آینده انسان متدین در متاورس وجود دارد؛ اما می‌توان با

برخی از اقدامات نسبت به کاهش این آثار سوء اقدام نمود. زیرا اساسا این نگرانی ریشه در تجربه نسل کنونی از وب ۱ و وب ۲ دارد. به عبارتی برخی این چنین می‌پندارند که دین‌گریزی که گاه مطرح می‌شود، به دلیل گسترش فضای اینترنت است. اینترنتی که برای جامعه ما فقط یک شبکه به هم متصل نبوده؛ بلکه همراه خود فرهنگی متفاوت می‌آورد و سنت این مرز و بوم را به محاق می‌برد. از این رو گروهی از کارشناسان نسبت به آینده متاورس برای جامعه دینی ابراز نگرانی کرده‌اند و آن را با گسترش تردیدگرایی نسبت به باورهای دینی مساوی دانسته‌اند. از سویی در جمع‌بندی نهایی خبرگان اظهار داشتند که دو روند مدیریت فضای متاورس و تنظیم الگوریتم این ساختار بر اساس آموزه‌های دینی می‌تواند جامعه دینی را از گزندهای احتمالی مصون دارد و یا آسیب‌های آن را کاهش دهد. از طرفی، نیز آموزش سواد رسانه‌ای متناسب با متاورس به عنوان یک رویداد می‌تواند برای کاهش پیامدهای مخرب متاورس، مفید برشمرد.

منابع

۱. بودریار، ژان (۱۳۹۸). وانموده‌ها و وانموده. ترجمه پیروز ایزدی. تهران: ثالث.
۲. پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۱). آشنایی با آینده پژوهی. تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. پین، مایکل (۱۳۸۳). فرهنگ اندیشه انتقادی؛ از روشنگری تا پسامدرنیته. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز.
۴. حسن‌زاده، محمد (۱۴۰۱). سخن سردبیر: متاورس و سرنوشت سامانه‌های اطلاعاتی. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۸(۱)، ۵-۱۰.
۵. حسینی، حسین (۱۴۰۱). چالش‌های نوظهور دولت‌ها برای حکمرانی فضای سایبر پیامدهای پلتفرمی شدن و پیدایش متاورس. علوم سیاسی (باقرالعلوم)، ۲۵(۹۸)، ۱۶۱-۱۸۴.
۶. خزایی، سعید (۱۳۹۳). آینده پژوهشی. تهران: علم آفرین.
۷. ریتزر، جورج (۱۳۸۶). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۸. سیدمن، استیون (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
۹. فتاح‌زاده، هانیه سادات؛ حسین نژاد، علی اکبر (۱۴۰۱). الهیات متاورس در اسلام و مسیحیت. علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، ۶(۲)، ۱۴۸-۱۵۸.
۱۰. فرهنگی، علی اکبر؛ قاپچی، هومن (۱۴۰۱). مرور نظام‌مند پژوهش‌های حوزه آینده‌پژوهی رسانه با تمرکز بر مفاهیم نوظهور فناوری‌های نوین. بررسی‌های مدیریت رسانه، ۱(۲)، ۱۶۸-۱۸۸.
۱۱. کهون، لارنس (۱۳۸۸). متن‌هایی برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
۱۲. گیبینز، جان؛ ریمر، بو (۱۳۸۱). سیاست پست مدرنیته؛ در آمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر. ترجمه منصور انصاری. تهران: انتشارات گام نو.
۱۳. گیدنز، آنتونی با همکاری کارن برد (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۱۴. محمدکاشی، صابره (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی بنیان‌های نظری پست مدرنیسم و سینمای پست مدرن. فارابی، ۳۸(۲)، ۷۰-۸۹.
۱۵. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۶. محمودی، محسن؛ صادقی، سالار (۱۴۰۱). متاورس و تاثیر آن بر سبک زندگی. مطالعات حقوقی فضای مجازی، ۲(۲)، ۴۵-۶۲.

۱۷. مک‌لوهان، مارشال (۱۳۷۷). برای درک رسانه‌ها. ترجمه سعید آذری. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.

۱۸. نوزری، حسینعلی (۱۳۸۸). صورت‌بندی مدرنیته و پست مدرنیته؛ بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی. تهران: انتشارات نقش جهان.

19. Jun, Guichun (2020). *Virtual reality church as a new mission frontier in the metaverse: Exploring theological controversies and missional potential of virtual reality church*. Transformation, 37 (4), 297-305.

20. Rose, Grace (2022). *How will God and the Church Fit into the Metaverse*. Commentary, 18 (1), 4.

21. Turkle, S (1996). *Who Are We*. In Trend David (ed). Reading.

22. YİĞİTOĞLU, Mustafa (2021). *Religious Virtual Living and Metaverse on the Real World*. Afro Eurasian Studies 10 (1), 5-14.

The Future Studies of Religious Humans in the Metaverse

Mohammad Fazel Mabhouti^{*}

Seyyed Ali Mohammad Razavi (corresponding author)^{**}

Kamal Akbari^{***}

Abstract:

Research Objective: The aim of this research is to analyze the future presence of religious humans in the metaverse. Based on various perspectives and opinions, we delve into the belief systems and actions of religious individuals within the metaverse. We present a clear picture using an exploratory approach, categorizing potential, plausible, and probable futures. Finally, we propose a normative future based on religious criteria.

Research Methodology: This qualitative study employs the futures research approach and Delphi technique for analyzing the future. The Delphi technique is used in two stages to reach consensus.

^{*} Ph.D. student in Culture and Communication, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran. mabhouti.Fazel@yahoo.com.

^{**} Assistant Professor and Head of the Department of Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran. azarbakhsh2005@yahoo.com

^{***} Associate Professor and Faculty Member, Faculty of Religion and Media, Islamic Republic of Iran Broadcasting University, Qom, Iran. kamal.akbari@iribu.ac.ir.

Findings: According to experts' viewpoints, religious individuals in the metaverse experience a blending of values. Their values are a mixture of religious and non-religious elements. Some of these values are unstable and depend on individual goals within their value system, leading to fluid identity. Due to insufficient cognitive reference points and structural requirements, there is a growing tendency to rely on celebrities as cognitive references.

Discussion and Conclusion: Exploratory futures suggest instability in users' values and fluid identity. To enhance the religious environment for devout users, three fundamental steps are necessary: first, providing media literacy tailored to the metaverse; second, managing metaverse algorithms based on religious criteria in native platforms.

Keywords: Metaverse, Future Studies, Religious Humans, Identity, Action, Construction.